

Recognition of Domestic Arbitral Awards under Iranian Judicial Precedents

Hamidreza Oloumi Yazdi*

Associate Professor of Faculty of Law and
Political Sciences of Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Alireza Daneshara

Phd student of Private Law Faculty of Law
and Political Sciences of Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Abstract

Recognition and enforcement of arbitral awards by the competent court when the judgment debtor does not comply with the award willingly is the last step in the settlement of a dispute through an agreed arbitration procedure. The recognition of the arbitral award by a court grants the arbitration awards an enforceability likewise the judgement of courts. Recognition and enforcement of arbitration awards by the courts upscale the law has endorsed such awards to an enforceable and binding level as its enforceability. Moreover, when an arbitral award has been recognized by the court, then the outstanding case shall enjoy the status of a *res judicata* award, which bars the parties to the dispute to take the case to the court or the arbitral tribunal again. The recognition of arbitral award has been mainly focused in international arbitration and in international legal literature such New York Convention on Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (1958) as well as in ICSID Convention for settlement of disputes between foreign investors and states. However, less attention has been paid to the step of recognition in national arbitration awards, yet it calls for a closer consideration under the national applicable law of the seat of arbitration or the place of its enforcement. The study of judicial precedents in Iran proves that recognition of an arbitral award is likewise a prerequisite for its enforcement. Under Iranian law an arbitral award could be enforced by the court when it does not contradicting the public policy, mandatory rules of law, and the rules of substantial law granting/securing a right. Consequently, when a court order for enforcement of an arbitral award, in fact the court has preliminary recognized its enforceability and its conformity with these three said criteria. In this way, the recognition of a national arbitral award should be considered as a distinguished step in the process of its enforcement. This paper, by looking to the Iranian court precedent, intends to answer to the questions

* Corresponding Author: oloumi@atu.ac.ir

How to Cite: Oloumiyazdi, H., & Danesh Ara, A. (2023). Recognition of Domestic Arbitral Awards under Iranian Judicial Precedents. *Private Law Research*, 12(44), 9-47. Doi: 10.22054/jplr.2023.71583.2720


relating to the legal nature and consequences of recognition of a national arbitral award, as well as explaining the procedural rules applicable to this concept, such as the method and form which should be followed for such a request, the legal nature of the court's decision on this matter, and whether this decision is subject to appeal or not. However, it should be noted that, due to lack of an integrated system for record and publishing of court's judgments in Iran this research has been confined to the available records.


Under Iranian court's practice and precedent, the recognition of an arbitral award may be requested from the competent court by a "request" from the beneficiary party and it is not necessary to file a "petition" as requested for bringing substantial claims before a court. The court shall deal with such a request as a matter of procedure and not as a matter of substance by checking the procedures followed by the arbitral tribunal. The court may not invite the parties for a hearing session and is not obliged to follow the default rules set out for proceedings in other cases. The decision of the court on the matter of recognition shall be in the form of an "order or decision" by the court, not a judgment, stating the recognition or rejection of the arbitral award. Such a decision may be subject to an appeal like any other decisions of the courts. If the arbitral award has not been recognized by the court, which means in practice the request for its recognition and enforcement has been rejected by the court, the arbitral tribunal cannot hear the same case again, but it should be heard by the competent court. However, according to the dominant practice of the courts, the arbitration agreement shall be survived for any other disputes might arise out of the same contract.

In the light of judicial policy of Iranian government to pursue people to the out of court settlement of their economic and commercial disputes, in particular by promoting mediation and arbitration, Iranian courts have recently shown more tendency to support and help in recognition and enforcement of national arbitration awards. This approach has been demonstrated in the court decisions and judicial precedent referred to in this paper. In brief, the importance of stage of recognition of an arbitral award should not be broadly interpreted by the courts to jeopardies the said policy, promotion of arbitration and enforceability of the arbitral awards.

Keywords: Domestic Arbitration, Arbitration Award, Recognition, Execution of Arbitrator's Award, Annulment of Arbitrator's Award.

شناسایی آرای داوری داخلی در رویه قضایی

حمیدرضا علومی یزدی*  دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

علی رضا دانش آرا  دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

شناسایی و اجرای رأی داوری آخرین مرحله از حل و فصل اختلافات از طریق داوری است که به موجب آن رأی داور همانند آرای محاکم قابلیت اجرا توسط اجرای احکام می‌یابد و بر همین پایه، شناسایی و اجرای رأی زیر نظر دادگاه‌ها می‌تواند ضمانت اجرای مناسبی برای اعمال رأی داوری فراهم آورد. از این رو اگرچه امروزه موضوع شناسایی رأی داوری در نوشته‌های حقوقی به‌طور غالب در داوری تجاری بین‌المللی مورد بحث قرار گرفته و در داوری‌های داخلی چندان مطمح نظر نگرفته است، اما شناسایی رأی داوری در حقوق داخلی نیز باید قبل از اجرای رأی داوری در دادگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد. با بررسی رویه قضایی به‌نظر می‌رسد در حقوق داخلی نیز اجرای رأی داوری ابتدا نیازمند شناسایی آن از سوی محاکم قضایی است. شناسایی آرای داور در محاکم قضایی عمدتاً با تقدیم درخواست اجرای آرای داوری از سوی اشخاص ذی‌نفع انجام شده و دادگاه‌ها بدون ورود در ماهیت دعوا و صرفاً با بررسی شرایط صدور رأی داور از منظر رعایت قوانین داخلی به صدور قرار قبولی و یا رد رأی داوری اقدام می‌کنند. بر همین پایه، برخی شناسایی رأی داوری را نیازمند طرح دعوا در قالب دادخواست و رعایت اصول شکلی آن از جمله پرداخت هزینه دادرسی می‌دانند و اقدام دادگاه در شناسایی یا عدم شناسایی رأی داور غالباً تصمیم و نه حکم تلقی شده که این تصمیم همانند سایر احکام و قرارها قابل تجدیدنظر است.

واژگان کلیدی: داوری داخلی، رأی داوری، شناسایی، اجرای رأی داور، ابطال رأی داور.

مقدمه

رجوع به داوری امروزه به یکی از روش‌های غالب برای حل و فصل اختلافات میان اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی شناخته شده است. سرعت رسیدگی، صرفه‌جویی در هزینه و وقت، عدم نیاز به تشریفات دست‌وپاگیر از مزایایی است که همواره اشخاص را به سمت این نهاد سوق داده است. افزون بر این، این باور نیز وجود دارد که حل و فصل اختلافات از طریق داوری و تمکین طرفین دعوا از قواعد حقوقی و الزامات رأی داور در نسبت با سایر فرایندهای حل و فصل اختلافات و طرح دعوا در محاکم قضایی دولتی دارای ریسک کمتری در آسیب‌رسانی به روابط حقوقی میان طرفین است.^۱ با این وجود نهاد داوری به دلیل خصلت خصوصی بودن، فاقد ضمانت اجرای قهری برای اجرای احکام خود است و همین امر سبب می‌شود که در بسیاری موارد و در مراحل مختلف فرایند داوری بی‌نیاز از مداخله محاکم و دادگاه‌های دولتی نباشد.

از میان مراحل مختلف فرایند داوری، شناسایی و اجرای رأی داور را می‌توان نقطه پایان و در واقع مهم‌ترین مرحله‌ای دانست که به موجب آن موافقت‌نامه داوری و متعاقب آن صدور رأی داوری می‌تواند اثربخشی خود را در حل و فصل اختلافات به منصه ظهور برساند. از این رو، شناسایی رأی داور مهم‌ترین بخش فرایند داوری است. در داوری تجاری بین‌المللی به موجب برخی مقررات از جمله کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک موسوم به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی، قانون داوری نمونه آنسترال مصوب ۱۹۸۵ با اصلاحات بعدی و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶ برخی سازکارها در زمینه شناسایی آرای داوری در نظر گرفته شده است و به همین جهت شناسایی رأی داوری بیش‌تر در زمینه داوری بین‌المللی به کار رفته است و غالب آثار و نوشته‌های حقوقی نیز در همین زمینه نگاشته شده است، به گونه‌ای که امر شناسایی همواره با آرای داوری تجاری بین‌المللی پیوند خورده است، چراکه به باور غالب حقوق‌دانان موضوع شناسایی رأی داور چالشی است که عمدتاً میان موافقت‌های داوری بین‌المللی و اجرای رأی زیر نظر دادگاه ملی رخ می‌

1. W. Rovine, Arthur, Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation, Mediation, Martinus Nijhoff Publishers, 2008, p168.

نمایاند،^۱ اما در زمینه شناسایی آرای داوری داخلی نوشته‌ها بسیار محدود بوده و به جز چند مقاله که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، چندان به اهمیت شناسایی و تشریفات موجود در داوری داخلی پرداخته نشده است، در حالی که شناسایی در فرایند داوری‌های داخلی نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و با تبیین و ایضاح این موضوع در حقوق داخلی پرسش‌های متعددی بر اذهان متبادر می‌شود. از جمله اینکه آیا در داوری‌های داخلی نیز همانند داوری تجاری بین‌المللی نیازمند شناسایی آرای داوری قبل از اجرای آن هستیم؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، مفهوم و ضرورت شناسایی در حقوق داخلی ایران چیست؟ و چه تمایزی با داوری تجاری بین‌المللی دارد؟ همچنین تشریفات و فرایند شناسایی رأی داوری داخلی شامل چه مواردی است؟ آیا موضوعاتی مانند درخواست شناسایی باید در قالب دادخواست و رعایت اصول شکلی آن از جمله پرداخت هزینه دادرسی و ... صورت گیرد؟ موانع شناسایی رأی داوری در حقوق داخلی کدامند؟ در نهایت اینکه رویه قضایی ایران در خصوص این موضوع چگونه است؟

در این نوشتار در بخش نخست در پنج محور به مفهوم و قلمرو، ضرورت شناسایی و تمایز شناسایی در رأی داوری داخلی و خارجی، موانع شناسایی و در نهایت تمایز شناسایی از اجرای رأی داوری خواهیم پرداخت؛ در بخش دوم از این نوشتار، با توجه به رویه قضایی موضوعاتی مانند تشریفات شناسایی از قبیل طرح دادخواست، هزینه دادرسی، اخطار رفع نقص، وقت رسیدگی و رعایت اصل تناظر، ماهیت تصمیم دادگاه، قابلیت تجدیدنظرخواهی از تصمیم دادگاه و موانع شناسایی و آثار عدم شناسایی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

1. Onyema, Emilia, International Commercial Arbitration and the Arbitrator's contract, Routledge Publication, London and New York, 2010, pp 22&33. & Rubino Sammaatano, Mauro, International Arbitration: Law and Practice, 2nd edition, Published by Kluwer Law International, 2001, pp 38&39.

۱. شناسایی

۱-۱. مفهوم و قلمرو شناسایی رأی داور

شناسایی رأی داوری به این معناست که رأی داور همانند احکام صادره از محاکم دادگستری قابلیت اجرایی پیدا کند. به یک تعبیر شناسایی، برای سد نمودن راهی به کار گرفته می‌شود که هدف از آن، طرح مجدد مسائل تصمیم‌گیری شده در رأی داوری، در یک رسیدگی جدید است.^۱ به عبارت دیگر، دو فایده عملی را می‌توان برای شناسایی در نظر گرفت؛ نخست اینکه شناسایی به معنای آن است که حکم داور از اعتباری مشابه آرای دادگاه‌ها برخوردار می‌گردد و دوم اینکه مزیت دیگر شناسایی ایجاد وضعیت «امر مختومه» و جلوگیری از تلاش محکوم علیه به طرح و پیگیری دوباره دعوی مزبور در محاکم دیگر می‌باشد.^۲

اشاره به مفهوم و قلمروی شناسایی رأی داور بیشتر در داوری خارجی و بین‌المللی کاربرد دارد، اما در داوری داخلی از قاعده شناسایی به صراحت سخن به میان نیامده است و همین امر سبب شده است که در خصوص وجود مرحله شناسایی رأی داور در داوری داخلی، اختلاف نظر وجود داشته باشد. هر چند در داوری بین‌المللی و همچنین کنوانسیون‌های مربوط داوری نیز با وجود اذعان به موضوع شناسایی امر شناسایی مورد تعریف قرار گرفته نشده است و تنها دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری^۳ تعریفی از آن به دست داده است. این نهاد شناسایی را به این مفهوم بیان نموده است: «معنای شناسایی رأی به‌عنوان یک رأی دارنده اعتبار قضیه مختومه، چیزی جز شناسایی و قبول این واقعیت که مفاد رأی قطعی و الزام‌آور است، نمی‌باشد»^۴ اما در دیگر اسناد بین‌المللی شناسایی صرفاً مورد تأکید قرار گرفته شده

۱. جنیدی، لعیا، اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی، چاپ چهارم، (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵) ص ۹۰.

۲. سلطان‌زاده، سجاد، ساختار و رویه داوری مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ایکسید)، چاپ اول، (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳)، ص ۱۱۵. همچنین بنگرید به:

جعفریان، منصور، «شناسایی و اجرای آرای داوری»، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۱۷، (۱۳۷۴)، صص ۲۵۱-۲۷۴.

3. Permanent Court of International Justice

۴. مصلحی، جلال، «حدود مداخله دادگاه‌های ملی در روند داوری»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۵ و

۱۶، (۱۳۸۴)، ص ۲۷۱.

است. به عنوان نمونه، در کنوانسیون نیویورک راجع به شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی^۱ که در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ در سازمان ملل متحد به تصویب رسید و مهم ترین و اساسی ترین سند بین المللی اجرای احکام داوری خارجی است و در حال حاضر ۱۷۰ عضو سازمان ملل متحد متعهد این کنوانسیون هستند،^۲ در ماده ۱ به لزوم امر شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی از قلمروی کشور محل اجرا اشاره کرده است و در ماده ۳ نیز شناسایی آرای داوری را به عنوان آرای الزام آور تلقی نموده و اجرای آنها را مطابق آیین دادرسی کشور محل اجرا مورد تأکید قرار می دهد.^۳

افزون بر این، در ساختار و رویه داوری مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری موسوم به ایکسید^۴ مواد ۵۳، ۵۴ و ۵۵ به موضوع شناسایی و اجرای احکام اختصاص دارد که بدون تعریف موضوع شناسایی صرفاً آن را مورد تأکید قرار داده است. در بند های ۱ و ۲ ماده ۵۴ آمده است:

«(۱) هر یک از کشورهای طرف قرارداد باید حکم صادره بر طبق مقررات این کنوانسیون را معتبر و الزام آور شناخته و الزامات مالی ناشی از آن را اجرا کند، به طوری که آن را یک حکم نهایی صادره از دادگاه های داخلی خود به شمار آورند.

(۲) متقاضی شناسایی یا اجرای حکم در قلمروی هر کشور متعهد، یک نسخه از حکمی را که به وسیله دبیرکل تأیید شده، به دادگاه صالحه یا مقامات دیگری که آن کشور برای این منظور تعیین نموده است، تسلیم خواهد کرد. کشور متعهد، دبیرکل را از هرگونه دادگاه

1. New York Convention on Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (1958)

۲. بنگرید به تارنمای کنوانسیون نیویورک:

<https://www.newyorkconvention.org/countries>

۳. ماده ۳ کنوانسیون نیویورک: «هر یک از دول متعهد، آرای داوری را به عنوان الزام آور به رسمیت خواهد شناخت و آن ها را مطابق آیین دادرسی محل درخواست اجرای رای، با شرایط مندرج در مواد آتی این کنوانسیون، اجرا خواهند کرد. در مورد اجرای آرای داوری موضوع این کنوانسیون، نباید شرایطی تحمیل شود که اساساً شدیدتر از آنچه در شناسایی و اجرای داوری داخلی معمول است، بوده یا هزینه بیشتری دربر داشته باشد.» بنگرید به:

L.Moses, Margaret, The Principle and Practice of International Commercial Arbitration, Cambridge University press, 2008, p203.

4. International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID).

صالحه یا مقامات دیگری که به این منظور تعیین شده‌اند و همچنین از تغییرات بعدی مطلع خواهد ساخت.»

در دیگر نهادهای داوری بین‌المللی از جمله ماده ۳۵ مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی^۱ و ماده ۳۵ قواعد داوری کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل معروف به آنستیرال^۲ نیز بدون تعریف مفهوم شناسایی صرفاً امر شناسایی مورد تأکید قرار داده شده است. علاوه بر نهادهای بین‌المللی داوری، در بند ۲ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶، در ماده ۳۵ با موضوع «اجرا» چنین آمده است که: «در صورتی که یکی از طرفین از دادگاه موضوع ماده ۶ این قانون درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورده باشد و طرف دیگر تقاضای شناسایی یا اجرای آن را کرده باشد، دادگاه می‌تواند در صورت درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای رأی، مقرر دارد که درخواست‌کننده ابطال، تأمین مناسب بسپارد.»

در حقوق داخلی چنانکه اشاره شد به تعریف مفهوم شناسایی پرداخته نشده است، اما لزوم آن مورد تأکید قرار گرفته است. برخی از حقوق‌دانان شناسایی را صرفاً امری مربوط به آرای داوری بین‌المللی تلقی می‌کنند^۳ و آرای داوری داخلی را نیازمند شناسایی از سوی مراجع قضایی نمی‌دانند، اما برخی دیگر با اشاره به مفهوم موادی از قانون آیین دادرسی مدنی در باب داوری بر این عقیده هستند که مفهوم و قلمروی شناسایی، در برخی مواد قانون آیین دادرسی مدنی مستتر است؛ به گونه‌ای که ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی که اظهار می‌دارد دادگاه می‌تواند رأی قابل ابطال را اجرا نکند، دلالت بر وجود مرحله شناسایی در مورد آرای داوری داخلی دارد، به این معنا که صرف ارائه رأی داوری و سایر اسناد لازم برای اجرای آن رأی کفایت نمی‌کند، بلکه شناسایی رأی مقدمه و لازمه اجرای آن در دادگاه است.^۴ در آرای قضایی نیز برخی فراز نخست ماده ۴۸۹، با این عبارت که «رأی داوری در

1. International Chamber of Commerce (ICC)

2. United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL).

۳. رسول‌زاده فرساد، علی و علوم‌ی یزدی، حمیدرضا، «چالش‌های اخلاقی اجرای رأی داور در نظام حقوقی ایران»،

فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۳۷، (۱۳۹۸)، ص ۱۳۹.

۴. السان، مصطفی و دیگران، «شناسایی و اجرای رأی داوری داخلی؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و استرالیا»، مجله

مطالعات حقوقی، شماره ۲، (۱۴۰۰)، ص ۴.

موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد» را بیانگر اعمال اقتدار مرجع قضایی نسبت به آرای صادره از مراجع غیرقضایی، نظیر نهاد داوری دانسته که نشان‌دهنده کوشش قانون‌گذار در جهت اعمال گستره نظارت دادگاه بر امر داوری تلقی شده و لذا بر این باورند که دادگاه می‌تواند رأساً و بدون اعتراض محکوم علیه مبادرت به صدور حکم بطلان و بی‌اعتباری رأی دادگاه نماید^۱ که این خود می‌تواند قرینه‌ای بر لزوم شناسایی رأی داوری داخلی به‌شمار آید.

۲-۱. ضرورت شناسایی رأی داور

در بیان ضرورت شناسایی آرای داوری می‌توان دلایل متعددی را برشمرد، اما از منظر اهمیت اجرای رأی داور، باید گفت که با توجه به فقدان قدرت اجرایی رأی داور و نیاز آن به محاکم برای قابلیت اجرایی بخشیدن به آن به‌عنوان پشتوانه‌ای برای اجرا، اهمیت ضرورت شناسایی را می‌توان احراز نمود. در همین راستا به تعبیر برخی از نویسندگان بعد از صدور رأی داوری محاکم در سه وضعیت مختلف اما مرتبط با رأی داور قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از: ۱) رسیدگی به اعتراضات وارده بر آرای داوری؛ ۲) شناسایی آرای داوری؛ ۳) شناسایی و اجرای آرای داوری.^۲

افزون بر این، عدم مخالفت رأی داور با قوانین آمره و همچنین قوانین موجد حق نیز می‌تواند از جمله دلایل ضرورت شناسایی به حساب آید؛ زیرا رجوع به داوری و حل و فصل اختلافات و حتی رأی صادره اگرچه محصول توافق طرفین و از نتایج آن است، اما احراز قرارداد داوری، صلاحیت داور و همچنین عدم مخالفت آن با قوانین آمره (به‌عنوان نمونه بندهای مندرج در ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی) از جمله مواردی است که ضرورت شناسایی رأی داوری فارغ از اعتراض یا عدم اعتراض محکوم علیه به رأی داور را ایجاب

۱. بنگرید به دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۴۰۴۰۵۰۵ صادره از شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی

تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران.

۲. انصاری، روح‌الله و دیگران، «بررسی مداخله دادگاه در داوری در حقوق ایران»، نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۲، (۱۳۹۶)، ص ۱۶۲.

می‌نماید تا دادگاه راساً به شناسایی آن مبادرت نماید. در نتیجه بدیهی است که عدم شناسایی به معنای عدم اجرا خواهد بود؛ مانند اینکه رأی صادره که اجرای آن از دادگاه درخواست شده در خصوص اموال عمومی و دولتی باشد که بدون رعایت تشریفات اصل ۱۳۹ قانون اساسی صادر شده است.^۱

۳-۱. وجه تمایز شناسایی در آرای داوری داخلی و بین‌المللی

تفاوت میان شناسایی آرای داوری داخلی و بین‌المللی را بیشتر در آیین‌های شناسایی می‌توان جست‌وجو کرد. همچنین باید در نظر داشت که شناسایی آرای داوری بین‌المللی نیز انواعی دارد که هر کدام دارای آیین خاص خود می‌باشند. در توضیح وجوه تمایز شناسایی میان آرای داوری داخلی و بین‌المللی نخست باید به توضیح و تبیین هر کدام پرداخت. داوری داخلی به معنای اخص عبارت از «داوری است که کلیه عوامل متشکله آن از قبیل ماهیت داوری، تابعیت اصحاب دعوا و داوران، قانون قابل اجرا و محل اجرای رأی به یک قلمروی سیاسی به‌خصوص، مربوط بوده باشد» و در تعریف داوری بین‌المللی در بند «ب» ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی سال ۱۳۷۶ گفته شده «داوری بین‌المللی عبارتست از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد.» برخی از نویسندگان با بسط مفهوم داوری از حیث مکانی آن را به سه دسته داوری داخلی، داوری خارجی و داوری بین‌المللی تقسیم نموده‌اند و به درستی بر این نکته تأکید کرده‌اند که تعیین وصف داخلی یا خارجی بودن رأی از این حیث می‌تواند اهمیت داشته باشد که در

۱. السان و دیگران، همان، ص ۶.

همچنین بنگرید به:

یاوری، اسدالله و باقری، یوسف، «زمان اخذ مجوز ارجاع به داوری موضوع اصل ۱۳۹ قانون اساسی در پرتو آرای قضایی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۶، (۱۳۹۸)، صص ۲۵۹-۲۷۶.

فرایند اجرامی توان نحوه اجرا و تشریفات آن را (از جمله شناسایی)^۱ تسهیل نمود تا بتوان از موانع احتمالی در اجرای آن بکاهیم.^۲

۱-۴. موانع شناسایی از دیدگاه قوانین داخلی و بین‌المللی

در خصوص موانع شناسایی آرای داوری داخلی، ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی ایران هفت مورد را ذکر نموده است که عبارت‌اند از: مخالفت رأی صادره با قوانین موجد حق، صدور رأی خارج از موضوع داوری، صدور رأی خارج از حدود اختیارات داور، صدور تسلیم رأی پس از انقضای مدت داوری، مخالفت رأی داور با اسناد رسمی ثبت شده، صدور رأی به وسیله داورانی که مجاز به صدور رأی نبوده‌اند و بی‌اعتباری قرارداد داوری.^۳ برخی از حقوق دانان بر این باور هستند که جهات اعتراض به رأی داور حصری نبوده و محدود به این هفت مورد نیست.^۴ به زعم ایشان باید توجه داشت که محاکم دادگستری با عدم شناسایی رأی داوری اقدام به صدور رأی نمی‌کند تا در نتیجه تصمیم دادگاه قابل تجدیدنظر باشد، بلکه عمل دادگاه در این مورد، تصمیم ساده قضایی (همانند قرار و یا دستور قضایی) است. در داوری تجاری بین‌المللی در غالب موارد، طرفین یا نهاد داوری معمولاً مقر داوری را در یک کشور بی‌طرف که ارتباط چندانی با قرارداد ندارد، انتخاب می‌کنند. از همین رو در این گونه داوری‌ها نیز بحث موانع شناسایی همواره مطرح است و در همین راستا نویسندگان حقوق همواره این پرسش را مطرح می‌کنند که اگر محکوم‌علیه در کشوری که رأی متعلق به نظام حقوقی آن است، تقاضای ابطال نکرده یا اگر کشور محل اجرا از کشورهای قائل به

۱. تاکید بر شناسایی توسط نویسنده انجام شده است.

۲. لطفی، سمیه و سعادت‌خواه، حسین، «اعتراض به آرای داوری‌های خارجی و بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق، شماره ۱۳، (۱۳۹۶)، ص ۴.

۳. بنگرید به: مافی، همایون، شرحی بر قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، چاپ دوم (تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۷)، ص ۳۹۸ به بعد.

۴. السان و دیگران همان، ص ۸.

اثر سرزمینی ابطال رأی از سوی دادگاه باشد، آیا محکوم علیه می‌تواند از دادگاه محل اجرا، عدم شناسایی و اجرا نشدن رأی را تقاضا کند؟^۱

از دیدگاه کنوانسیون نیویورک و قانون داوری تجاری بین‌المللی، می‌توان دو دسته از موانع شناسایی را در نظر گرفت. دسته نخست موانعی هستند که باید از جانب طرفی که علیه وی به رأی استناد شده است، طرح شوند و به اثبات برسند. دسته دوم نیز از مواردی است که نیازمند طرح از جانب محکوم علیه یا معترض نیست، بلکه به صرف اینکه دادگاه آن‌ها را احراز نماید، از شناسایی حکم امتناع خواهد ورزید. در خصوص دسته نخست؛ به‌عنوان نمونه در ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی آمده است که رأی داور در مواردی به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه موضوع ماده ۶ قابل ابطال است، از جمله اینکه یکی از طرفین فاقد اهلیت بوده باشد، موافقت‌نامه داوری به موجب قانونی که طرفین بر آن موافقت‌نامه حاکم دانسته‌اند، معتبر نباشد و در صورت سکوت، قانون حاکم مخالف صریح قانون ایران باشد، مقررات این قانون در خصوص ابلاغ اخطاریه‌های تعیین داور یا درخواست داوری رعایت نشده باشد، درخواست‌کننده ابطال، به دلیلی که خارج از اختیار او بوده، موفق به ارائه دلایل و مدارک خود نشده باشد، داور خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد، ترکیب هیئت داوری یا آیین دادرسی، مطابق موافقت‌نامه داوری نباشد، رأی داوری مشتمل بر نظر موافق و مؤثر داوری باشد که جرح او توسط مرجع موضوع ماده (۶) پذیرفته شده است، رأی داوری مستند به سندی بوده باشد که جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد، پس از صدور رأی داوری مدارکی یافت شود که دلیل حقانیت معترض بوده و ثابت شود که آن مدارک را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آن‌ها شده است. ماده ۳۴ همین قانون نیز ناظر بر دسته دوم از موانع شناسایی است که نیازمند طرح از جانب محکوم علیه یا معترض نیست. از جمله اینکه در صورتی که موضوع اصلی اختلاف به موجب قوانین ایران قابل حل و فصل از طریق داوری نباشد، در صورتی که مفاد رأی مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد و رأی داوری صادره در

۱. خدیری، صالح، «دادرسی منصفانه در داوری تجاری بین‌المللی»، شماره ۲، مجله حقوق تطبیقی، (۱۳۹۴)، ص ۵۳۷.

خصوص اموال غیرمنقول واقع در ایران با قوانین آمره جمهوری اسلامی ایران و یا با مفاد اسناد رسمی معتبر معارض باشد، مگر آنکه در مورد اخیر داور حق سازش داشته باشد. بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک نیز در خصوص شرایط عدم شناسایی رأی داوری به درخواست محکوم‌علیه رأی داوری و بند ۲ شرایط عدم شناسایی با نظر دادگاه کشور محل اجرای رأی داور تشریح نموده است. بر طبق بند ۱ ماده ۵ این قانون، محکوم‌علیه رأی داوری باید ثابت نماید که طرفین موافقت‌نامه داوری بر اساس قانون متبوع ایشان، فاقد اهلیت بوده‌اند و یا توافق‌نامه داوری فاقد اعتبار بوده است یا ثابت نماید که تعیین داور یا جریان رسیدگی داوری به‌طور صحیح به وی ابلاغ نگردیده یا اینکه وی به جهت دیگری قادر به طرح نظریات و واضح خود در داوری نشده است، دیوان داوری فاقد صلاحیت باشد یا از صلاحیت خود تجاوز نموده باشد یا ثابت نماید که شیوه تشکیل مرجع داوری یا تشریفات داوری، منطبق با توافق طرفین نبوده است و در صورتی که طرفین در این خصوص توافقی نموده باشند با قوانین کشوری که داوری در آن جا صورت گرفته منطبق نباشد و در نهایت اینکه حکم داوری هنوز نسبت به طرفین لازم‌الاجرا نشده یا به‌وسیله مرجع صالح کشوری که حکم در قلمروی آن یا حسب قوانین آن صادر شده، ابطال یا معلق گردیده است.^۱ در بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، موارد عدم شناسایی رأی داور به‌وسیله مرجع صالح کشوری که شناسایی و اجرای حکم داوری از او درخواست شده تشریح شده است که به موجب آن در صورت احراز یکی از موارد زیر مرجع صالح می‌تواند تقاضای شناسایی و اجرای حکم را رد کند: اینکه برابر با قوانین آن کشور حل و فصل موضوع متنازع‌فیه از طریق داوری میسر نبوده است یا شناسایی و اجرای حکم مغایر با نظم عمومی آن کشور است.^۲

۱. بنگرید به:

مصلحی، همان، ص ۲۷۳ به بعد.

۲. امروزه موازین و مقررات کنوانسیون نیویورک در زمینه شناسایی آرای خارجی در بسیاری به‌طور گسترده در بسیاری از نقاط جهان به موعده اجرا گذاشته می‌شود. به‌عنوان نمونه، کشورهای آفریقایی در غالب معاهدات داوری تجاری به این کنوانسیون به‌عنوان مکانیسمی جهت شناسایی آرای داوری خارجی استناد می‌کنند. بنگرید به:

۱-۵. فایده تفکیک و تمایز شناسایی از اجرای رأی داوری

شناسایی و اجرای آرای داوری همواره در کنار هم مطرح می‌شوند و در تمام قوانین داوری داخلی و اسناد بین‌المللی نیز این دو در کنار هم به کار رفته است تا جایی که غالب افراد شناسایی و اجرا را یکی دانسته‌اند، اما باید توجه داشت که در برخی موارد ممکن است که رأی مورد شناسایی قرار گیرد، اما اجرا نشود؛ بنابراین فایده تفکیک میان این دو را باید در همین امر دانست. به عقیده برخی از نویسندگان شناسایی زمانی می‌تواند مفید باشد که طرف محکوم علیه رأی داوری، اقدام به طرح دعوا به خاطر یکی از موضوعات یا همه موضوعات رسیدگی شده در رأی داوری می‌کند. از این جهت شناسایی، مانع از جریان رسیدگی در دادگاه نسبت به امور رسیدگی شده در رأی خواهد شد. افزون بر این، شناسایی ممکن است به دلایل مالیاتی یا مالی هم مفید باشد؛ یکی از طرفین شاید بخواهد به این دلیل رأی مورد شناسایی قرار گیرد که دلیل بدهی یا طلب باشد.^۱ با این وجود، به عقیده برخی از حقوق‌دانان بر خلاف جنبه نظری، از لحاظ عملی به دو علت فایده چندانی بر تفکیک مفهوم شناسایی از اجرا بار نیست؛^۲ نخست اینکه به طور طبیعی غایت اصلی رأی داوری، اجرای مفاد آن و رسیدن به محکوم به است، به همین دلیل اکثریت بزرگی از درخواست‌ها ناظر به اجرای آن است. خصوصاً که اجرا متضمن شناسایی رأی نیز هست؛ زیرا اگر رأی شناسایی نشود، نمی‌توان آن را اجرا نمود. دوم اینکه بیشتر آرای داوری خارجی، مشمول کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی است و اسناد مزبور نظام واحدی را برای هر دو درخواست و هر دو دعوا مقرر داشته‌اند. در واقع تفکیک شناسایی از اجرا، تمایزی است که اساساً نسبت به احکام دادگاه‌های خارجی اعمال می‌شده است و به وحدت ملاک، نسبت به آرای داوری نیز اعمال می‌گردد. همین امر برخی از نویسندگان را متقاعد ساخته است که بگویند دلیلی وجود ندارد که تدوین کنندگان کنوانسیون نیویورک بر مسأله شناسایی، به‌عنوان پروسه‌ای جدای از اجرا

۱. باقری، روح‌انگیز، «مقاله اجرای آراء داخلی و خارجی در قانون داوری تجاری بین‌المللی و کنوانسیون نیویورک».

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۳۱، (۱۳۹۹)، ص ۱۹۹.

۲. جنیدی، همان، ص ۹۰.

تمرکز کرده باشند؛ چرا که تمامی موارد مندرج در خصوص شناسایی آرای داوری در خصوص اجرانیز قابل اعمال است.

۲. آیین شناسایی

همانگونه که آورده شد، لازمه اجرای رأی داوری، شناسایی آن است. اجرای رأی داوری را باید نقطه پایان دعوا دانست که به موجب آن محکوم علیه باید به الزامات آن تن در دهد. اجبار به اجرای رأی داور متفاوت از اجرای احکام دادگاهها است؛ اولاً درحالی که حکم دادگاه که از طرف دولت صادر شده، لازم الاجراست و همانگونه توسط قوای عمومی به اجرا درمی آید، رأی داوری حاصل کار یک یا چند شخص تابع حقوق خصوصی است و لذا سند خصوصی به حساب می آید که تنها پس از کنترل قضایی و اداری، اجباراً قابل اجراست و به عبارت دیگر، لازم الاجرا می گردد. ثانیاً، برخلاف حکم قطعی و غیرقابل اعتراض دادگاه، رأی قطعی داوری، از آنجا که یک سند خصوصی به حساب می آید، همیشه در معرض درخواست ابطال در مقابل دادگاههای دولتی قرار دارد. در هر حال داوری هرچقدر هم که خصوصی بوده و به اراده طرفین وابستگی داشته باشد، باز هم در نهایت در مرحله اجرا به قدرت دولت نیاز دارد. در این بخش از نوشتار به آیین شناسایی رأی داوری در رویه قضایی و به مواردی از قبیل مرجع صالح، تشریفات رسیدگی، هزینه دادرسی، موانع شناسایی و... خواهیم پرداخت.

۲-۱. مرجع صالح شناسایی رأی داور

با توجه به مواد آیین دادرسی مدنی در باب داوری، مرجع صالح جهت درخواست شناسایی رأی داور صراحتاً مورد اشاره قرار گرفته نشده است، اما به نظر می رسد با توجه به اینکه شناسایی پیش شرط اجراست، همان ضوابط و معیارهای تعیین دادگاه صالح برای اجرا در مرحله شناسایی نیز راهگشا باشد. مستنبط از ماده ۴۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد. افزون بر این، با وحدت ملاک از ماده ۴۹۰ همین قانون در موضوع دادگاه صالح جهت «درخواست ابطال رأی داور»، با اشاره به

اینکه دادگاه صالح، دادگاهی است که دعوا را به داوری ارجاع کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، می‌توان دریافت که مرجع صالح جهت شناسایی رأی داور، دادگاهی است که دعوا را ارجاع به داوری کرده یا دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد.^۱ اگرچه استنباط این موضوع در رویه قضایی نیز مشهود نیست.

۲-۲. تشریفات طرح دعوا در قالب درخواست یا دادخواست

یکی از پرسش‌هایی که همواره در ارتباط با تشریفات دعوی مرتبط با شناسایی رأی داور در نزد دادگاه مطرح می‌شود این است که تشریفات طرح دعوا، در قالب درخواست می‌باشد یا دادخواست؟ با بررسی آرای صادره با خواسته «اجرای رأی داور» به نظر می‌رسد در تمامی موارد دادگاه‌های داخلی با توجه به صدر ماده ۴۸ آیین دادرسی مدنی، چنین خواسته‌ای را نیز مستلزم تقدیم دادخواست می‌دانند، چراکه هرگونه رسیدگی ابتدایی و شناسایی رأی داور، مستلزم رعایت اصول شکلی در قالب فرم دادخواست می‌باشد، اما در اینکه چنین امری به معنای دادخواست و متعاقباً دعوا تلقی کردن آن می‌باشد یا خیر، با توجه به رویه قضایی اختلاف نظر وجود دارد. به‌عنوان نمونه در تصمیمی صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران^۲ خواهان خواسته‌ای با موضوع «درخواست اجرای رأی داور» مطرح نموده است. نخست اینکه اگرچه دادگاه در گردشکار اشاره نموده است که درخواست در قالب دادخواست مطرح شده، اما در ادامه در رأی دادگاه چنین آمده است: «در خصوص درخواست ح.ن. بطرفیت ع.پ به خواسته اجرای رأی داور نظر به اینکه رأی داور ابلاغ نشده است... به استناد ماده ۴۹۰ و ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار ردّ درخواست صادر و اعلام می‌گردد...»

۱. همچنین بنگرید به:

خدابخشی، عبدالله، حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی، چاپ سوم، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳)، صص ۴۹۰ و ۴۹۱.

۲. تصمیم به شماره ۹۸۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۰۱۲۰ به تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۵

بنابراین نظر دادگاه بر این است که چنین خواسته‌ای را در قالب درخواست تلقی کرده است، اگرچه طرح چنین خواسته‌ای نیازمند تقدیم دادخواست باشد. در رأی دیگری نیز صادره از شعبه ۲۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی^۱ تهران خواهان دادخواستی به خواسته «اجرای حکم دادگاه خارجی» مطرح نموده است که دادگاه نیز در متن رأی با اشاره به درخواست بودن خواسته خواهان، آن را در قالب دعوی حقوقی شناسایی نکرده است. در همین راستا در دادنامه دیگری^۲ به خواسته «درخواست اجرای رأی داور» با وجود طرح خواسته در قالب دادخواست، دادگاه در متن دادنامه آن را درخواست تلقی و با توجه به تشریفات رسیدگی به درخواست، رأی صادر نموده است.

۲-۳. هزینه دادرسی

طرح هرگونه درخواست یا دعوا در دادگاه‌های عمومی جهت شروع به رسیدگی نیازمند پرداخت هزینه دادرسی است که این هزینه شامل هزینه برگ دادخواست، هزینه انواع مختلف دعاوی، هزینه مربوط به اجرای احکام و همین‌طور تطبیق اوراق دعوا با اصل آن اوراق است. اگر این هزینه در هنگام تقدیم دادخواست پرداخت نشود دفتر دادگاه اخطار رفع نقص صادر و به خواهان ابلاغ می‌کند. در زمینه شناسایی رأی داور در دادگاه‌ها نیز به جهت اینکه چنین درخواستی نیازمند تقدیم دادخواست و شروع به رسیدگی از طرف دادگاه می‌باشد، نیازمند پرداخت هزینه دادرسی از سوی خواهان است. با توجه به تقسیم‌بندی دعاوی به مالی و غیرمالی از نقطه نظر هزینه دادرسی، این پرسش مطرح می‌شود که درخواست شناسایی و اجرای رأی داور در کدام دسته می‌گنجد؟ در بررسی رویه قضایی و آرای مرتبط به نظر می‌رسد غالب دادگاه‌ها، چنین خواسته‌ای را غیرمالی تلقی کرده و بر طبق دعاوی غیرمالی هزینه دادرسی را دریافت نموده‌اند. به‌عنوان نمونه، در پرونده‌ای مطروحه در از شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران^۳ و در پرونده دیگری از

۱. شماره دادنامه ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۸۵۰۰۳۴ به تاریخ ۱۳۹۶/۱/۲۲

۲. دادنامه به شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۶۱۰۰۴۲۵ به تاریخ ۱۳۹۶/۵/۱۰

۳. پرونده به شماره کلاسه ۹۶۰۹۹۸۰۲۲۶۱۰۰۱۸۸

شعبه سوم دادگاه عمومی تهران^۱ و همچنین در پرونده مطروحه در شعبه ۲۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران،^۲ دادگاه بر اساس دعاوی غیرمالی، هزینه دادرسی خواسته شناسایی و اجرای رأی داور را محاسبه نموده است. با این وجود، در برخی دعاوی مرتبط دیگر داوری با موضوع «ابطال رأی داور»، دادگاه‌ها با تفکیک دعا به مالی و غیرمالی بر اساس نوع خواسته، مبادرت به محاسبه و دریافت هزینه دادرسی نموده است. در این راستا می‌توان به دادنامه صادره از شعبه ۱۷ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران،^۳ دادنامه صادره از شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران^۴ و دادنامه صادره از شعبه ۱۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران^۵ اشاره نمود که در متن دادنامه و در قسمت موضوع خواسته، به مالی بودن آن اشاره شده است. همچنین در دادنامه صادره از شعبه ۲۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران^۶ و دادنامه صادره از شعبه ۲۴ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران^۷، در متن دادنامه و در قسمت موضوع خواسته به غیرمالی بودن خواسته با توجه به موضوع آن اشاره شده است.^۸

۱. پرونده به شماره کلاسه ۱۱۷۰/۸۱

۲. پرونده به شماره کلاسه ۹۵۰۹۹۸۰۲۲۸۵۰۰۴۸۸

۳. دادنامه شماره ۱۱۲۷۰۱۱۲۷۰۲۲۷۷۰۹۴۰۹۹۷۰۲۲۷۷۰۱۱۲۷ به تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۷

۴. دادنامه شماره ۰۸۹۳۰۲۲۷۲۰۰۹۳۰۹۹۷۰۲۲۷۲۰۰۸۹۳ به تاریخ ۱۳۹۳/۹/۲۹

۵. دادنامه شماره ۰۵۶۷۰۲۲۷۹۰۰۵۶۷۰۹۴۰۹۹۷۰۲۲۷۹۰۰۵۶۷ به تاریخ ۱۳۹۴/۸/۱۹

۶. دادنامه شماره ۰۱۹۴۰۲۲۸۵۰۰۱۹۴۰۹۹۷۰۲۲۸۵۰۰۱۹۴ به تاریخ ۱۳۹۶/۲/۳

۷. دادنامه شماره ۰۶۱۶۰۲۲۸۴۰۰۶۱۶۰۹۹۷۰۲۲۸۴۰۰۶۱۶ به تاریخ ۱۳۹۰/۷/۱۲

۸. لازم به یادآوری است که اخیراً در جلسه هیئت عمومی دیوان عالی کشور رأی وحدت رویه در خصوص مالی یا غیرمالی بودن دعاوی ابطال رأی داور صادر شده است و در مواردی که موضوع آن امری مالی است نیز دعاوی ابطال رأی داور، را باید دعاوی غیرمالی دانست. اگرچه تا تاریخ نگارش این مقاله این رأی در سامانه روزنامه رسمی کشور بارگزاری نشده است.

۲-۴. اخطار رفع نقص

طرح دعوا در قالب دادخواست به موجب ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی نیازمند رعایت اصول شکلی است که در صورت عدم التزام به آن از سوی دادگاه، قرار اخطار رفع نقص صادر خواهد شد. با توجه به اینکه درخواست شناسایی و اجرای رأی داور نیز باید به موجب دادخواست در محاکم قضایی مطرح گردد، بنابراین در این مورد نیز رعایت اصول شکلی دادخواست امری ضروری به نظر می آید. حال پرسشی که مطرح می گردد این است که موارد صدور اخطار رفع نقص در زمینه شناسایی رأی داور در نزد محاکم قضایی چیست؟

با بررسی رویه قضایی در خصوص درخواست شناسایی رأی داور موردی یافت نشد، اما در سایر موضوعات مانند ابلاغ رأی داور یا درخواست ابطال رأی داور، مدیر دفتر یا دادرس دادگاه به دلیل عدم رعایت اصول شکلی دادخواست، مبادرت به صدور اخطار رفع نقص نموده است. به عنوان نمونه، در دادنامه‌هایی صادره از شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران^۱ به خواسته «درخواست ابلاغ رأی داور»، مدیر دفتر شعبه ۵ با صدور اخطار رفع نقص مبنی بر «ارائه اصل رأی داوری» و عدم رفع نقص و عدم ارائه اصل رأی داوری از سوی خواهان‌ها، برابر ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی قرار ردّ دادخواست را صادر نموده است که این امر مبین رعایت شکلی شرایط تقدیم دادخواست طرفین داوری در موضوع «درخواست ابلاغ رأی داوری» از دادگاه است. به نظر می رسد با وحدت ملاک از این موضوع، در خصوص درخواست شناسایی رأی داور این امر نیز باید رعایت گردد.

۲-۵. وقت رسیدگی و رعایت اصل تناظر

تناظر از لحاظ لغوی به معنای «با هم بحث و مجادله کردن» و «مقابله نمودن» است. از این مفهوم در حقوق خصوصی و عمومی فرانسه به *Principe de contradiction* یا *Principe du contradictoire* یاد شده است.^۲

۱. در دادنامه‌های شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۶۵۰۰۲۸۳ به تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۸، شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۶۵۰۰۵۸۰ به تاریخ

۱۳۹۵/۶/۱۰ و همچنین شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۶۵۰۰۹۳۵ به تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۲

۲. شمس، عبدالله، «اصل تناظر»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵ و ۳۶، (۱۳۸۱)، ص ۶۱.

رعایت اصل تناظر امروزه به یکی از مبانی دادرسی‌های مدنی تبدیل شده است، به گونه‌ای که عدم التزام به آن می‌توان خدشه‌ای بر رسیدگی عادلانه و منصفانه وارد کند. ریشه تاریخی این اصل را در قاعده *Audi alteram partem* می‌دانند که به معنای شنیدن حرف طرف مقابل است که امروزه در معنای «لزوم استماع هر دو طرف دعوا» به کار می‌رود.^۱ یکی از موضوعاتی که در خصوص درخواست شناسایی و اجرای رأی داور می‌تواند مطرح شود این است که آیا چنین خواسته‌ای نیز همانند سایر دعاوی حقوقی نیازمند وقت رسیدگی و دعوت طرفین و متعاقباً رعایت اصل تناظر هست یا خیر؟

در بررسی آرای مربوط به شناسایی و اجرای رأی داور غالب دادگاه‌ها با تشکیل جلسه رسیدگی در وقت فوق‌العاده بر این عقیده هستند که چنین خواسته‌ای نیازمند وقت رسیدگی با حضور طرفین و رعایت اصل تناظر نیست؛ چراکه امر داوری را نوعی حل و فصل خصوصی اختلاف میان طرفین می‌دانند و شناسایی آن از سوی محاکم قضایی را در قالب دعوای مدنی تلقی نمی‌کنند و آن را صرفاً درخواستی می‌دانند که باید از سوی دادگاه در وقت فوق‌العاده مورد رسیدگی قرار گیرد. با بررسی آرای قضایی متعدد، در اغلب این آرا که در زمینه شناسایی و اجرای رأی داور صادر شده، در گردشکار آن‌ها با اشاره به تشکیل جلسه در وقت فوق‌العاده که وقتی خارج از اوقات در دفتر مخصوص اوقات (چه به صورت عادی یا خارج از نوبت) است و علی‌الاصول بدون حضور طرفین رسیدگی می‌شود، رسیدگی به این خواسته را نیازمند تعیین وقت با حضور طرفین ندانسته‌اند که از جمله آن می‌توان به دادنامه صادره از شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی^۲ و صادره از شعبه ۲۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران^۳ اشاره نمود که در موارد فوق دادگاه با تشکیل جلسه در وقت فوق‌العاده با قبول درخواست اجرای رأی داور موافقت نموده و این قرار را قطعی دانسته است، اما در برخی دیگر از محاکم قضایی رسیدگی به خواسته اجرای رأی داور و صدور رأی چه در قالب تصمیم و چه در قالب دادنامه را منوط به تعیین وقت

۱. حیدری، سیروس، «اصل تناظر در حقوق فرانسه و کامن‌لا»، نشریه مطالعات حقوقی، شماره ۱، (۱۳۸۹)، ص ۱۲۷.

۲. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۸۰۲۲۶۱۰۰۱۱۸ به تاریخ ۱۳۹۶/۵/۱۰

۳. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۸۵۰۰۰۳۴ به تاریخ ۱۳۹۶/۱/۲۶

رسیدگی با حضور طرفین دانسته‌اند. به‌عنوان نمونه، در تصمیم صادره از شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران^۱ به‌خواسته «درخواست اجرای رأی داور»، با توجه عدم ذکر وقت فوق‌العاده در جلسه رسیدگی، به نظر می‌رسد دادگاه رسیدگی را به‌صورت حضوری دانسته است و افزون بر این در انتهای تصمیم مطرح نموده که «رأی صادره متصف به وصف حضوری یا غیابی نبوده، لکن چون موجب زوال اصل داوری می‌گردد، ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.»

۲-۶. تصمیم دادگاه (قرار یا حکم)

در ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی چنین آمده است که: «چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به‌طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود». به عقیده برخی از حقوق‌دانان تعریف و مصادیق «قرار» دادگاه را می‌توان از مفهوم ماده ۲۹۹ قانون یادشده به‌دست آورد که به چهار نوع تقسیم می‌شود: (۱) گاه رأی راجع به ماهیت دعوا است، بدون اینکه قاطع آن باشد، مانند قرار کارشناسی و استماع شهادت شهود؛ (۲) در مواقعی رأی صادره، قاطع دعوا است و پرونده را از دادگاه خارج می‌سازد ولی راجع به ماهیت نیست. مانند قرار ردّ دعوا و قرار عدم استماع دعوا؛ (۳) گاه نیز رأی صادره از جهتی هم راجع به ماهیت است و قاطع آن، ولی قانون‌گذار عنوان قرار را بر آن نهاده است؛ مانند قرار سقوط دعوا. (۴) در برخی اوقات نیز دادگاه رأیی صادر می‌کند که نه راجع به ماهیت دعوا است و نه قاطع آن، بلکه به لحاظ حدوث واقعه‌ای حقوقی مانند فوت یا حجر احد از طرفین دعوا، دادگاه قرار توقیف دادرسی را صادر می‌کند و رسیدگی را به‌طور موقت متوقف می‌سازد.^۲ با توجه به این مقدمه مختصر پرسشی که می‌توان مطرح نمود این است که ماهیت تصمیم دادگاه در خصوص درخواست اجرای رأی داور را باید حکم تلقی نمود یا قرار؟

۱. تصمیم شماره ۹۹۰۹۹۷۷۸۷۲۵۰۰۱۰۴

۲. نهرینی، فریدون، «تشخیص ماهیت و نوع رأی دادگاه»، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، سال ۴۱، شماره ۲، (۱۳۹۰)، ص ۳۰۵.

در بررسی آرای صادره، به نظر می‌رسد دادگاه‌ها در غالب موارد تصمیم در خصوص درخواست شناسایی و اجرای رأی داور را به صورت قرار تلقی و آن را قبول یا مورد ردّ قرار داده‌اند. به عنوان نمونه، در تصمیم نهایی شعبه ۸۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مدرس تهران،^۱ در تصمیم نهایی صادره از شعبه ۱۲۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید باهنر تهران،^۲ در تصمیم نهایی صادره از شعبه ۷ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان بهارستان^۳ و موارد بسیار دیگر دادگاه در متن رأی با صدور «قرار ردّ درخواست اجرای رأی داور» آن را حکم تلقی نکرده است.^۴ با این وجود، در بین محاکم در مواردی اختلاف رویه‌ای وجود دارد. به عنوان نمونه، در پرونده مطروحه در شعبه ۳۶ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید صدر تهران،^۵ با موضوع درخواست اجرای رأی داور، در متن رأی دادگاه با صدور حکم بر مردود بودن درخواست اجرای رأی، با اشاره به اینکه این تصمیم ماهیت قضایی دارد، آن را در قالب احکام به حساب آورده است. در مورد دیگری، در پرونده‌ای در شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران^۶ خواهان، خواسته‌ای با عنوان «درخواست اجرای رأی داور» مطرح نموده است که دادگاه با ردّ درخواست خواهان در بخشی از متن رأی خود چنین استدلال می‌کند که «تصمیم دادگاه راجع به غیرقابل اجرا بودن رأی داور باعث می‌شود که داور به طور کلی زایل شود؛ بنابراین تصمیم دادگاه در واقع حکم است...». در مخالفت با این استدلال، دادگاه تجدیدنظر در دادنامه صادره از شعبه ۷۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران،^۷ چنین بیان داشته است که «چون رسیدگی به درخواست اجرای رأی داور دعوی نیست، به همین دلیل ملازمه با

۱. تصمیم نهایی شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۶۸۵۰۱۴۸۹

۲. تصمیم نهایی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۲۴۲۶۰۱۸۰۳

۳. تصمیم نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۲۹۸۷۰۰۴۷۲

۴. همچنین بنگرید به برخی آرای موجود در سامانه ملی آرای قضایی:

<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Index>

۵. پرونده شماره کلاسه ۹۸۰۹۹۸۲۱۶۰۱۰۰۸۷۸

۶. پرونده شماره کلاسه ۱۴۰۱۶۸۲۰۰۰۱۱۴۸۶۶۷

۷. دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۹۱۸۰۴۴۸ به تاریخ ۱۴۰۱/۶/۳۰

صدور رأی نداشته بلکه اقتضاء آن تصمیم است که قابلیت تجدیدنظرخواهی ندارد، بنابراین هر چند که محکمه نخستین این تصمیم را به صورت یک رأی اعلام کرده، ولی این تصمیم اولاً رأی به معنی اخص کلمه نیست که به طور جداگانه قابل صدور باشد، بلکه تصمیم است». از این رو، به نظر می‌رسد که دادگاه تجدیدنظر تصمیم دادگاه در خصوص شناسایی رأی یا عدم شناسایی آن در قالب یک دستور فرض کرده است و به همین جهت نیز آن را قابل تجدیدنظرخواهی ندانسته است. همین شعبه (شعبه ۷۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران) در دادنامه دیگری^۱ در تجدیدنظرخواهی نسبت به دادنامه شماره ۱۴۰۰۸۳۷۴ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۳۰ در استدلال مشابه دیگری نیز در خصوص خواسته «اجرای رأی داور» بیان داشته است که «درخواست اجرای رأی داور، دعوی نیست، به تبع آن اجابت درخواست یا عدم پذیرش آن مستلزم صدور رأی نیست، زیرا به موجب ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی چنانچه رأی راجع به ماهیت دعوی و قاطع آن به صورت جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود که چون رسیدگی به درخواست اجرای رأی داور دعوی نیست، به همین دلیل ملازمه با صدور رأی نداشته بلکه اقتضاء آن تصمیم است... بنابراین هر چند که محکمه محترم نخستین این تصمیم را به صورت یک رأی اعلام کرده ولی این تصمیم رأی به معنی اخص کلمه نیست، بلکه تصمیم است».

۷-۲. قابلیت تجدیدنظرخواهی از تصمیم دادگاه

در خصوص قابلیت تجدیدنظرخواهی از تصمیم دادگاه چه به صورت قرار و چه به صورت حکم، در رویه قضایی برخی اختلاف نظرهایی وجود دارد. غالب دادگاه‌ها بر این عقیده هستند که تصمیم دادگاه عدم شناسایی رأی داور و ردّ درخواست اجرای رأی داور قابلیت اعتراض را دارد. در این راستا در تصمیم نهایی صادره از شعبه ۸۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مدرس تهران،^۲ خواهان خواسته‌ای با موضوع درخواست اجرای رأی داور طرح نموده است که دادگاه به استناد مواد ۲ و ۴۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی مبادرت

۱. دادنامه شماره ۱۴۹۰۱۶۸۳۹۰۰۰۲۵۵۷۳۴۸ به تاریخ ۱۴۰۱/۲/۳۱

۲. تصمیم نهایی شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۶۸۵۰۱۴۸۹

به صدور قرار ردّ درخواست خواهان می‌نماید و در ادامه بیان داشته است که «این رأی حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان تهران می‌باشد». در تصمیم دیگری صادره از شعبه ۱۲۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید باهنر تهران،^۱ به خواسته «درخواست اجرای رأی داور» دادگاه با قرار ردّ این درخواست، آن را ظرف ۲۰ روز قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان دانسته است. در خواسته دیگری در زمینه «درخواست اجرای رأی داور» در پرونده مطروحه در شعبه ۳۶ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید صدر تهران،^۲ دادگاه بیان داشته که به استناد قواعد مذکور در متن رأی، درخواست اجرا را نمی‌پذیرد و آن را مردود اعلان می‌کند و در ادامه بیان می‌دارد که «این تصمیم ماهیت قضایی دارد و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ در دادگاه تجدیدنظر استان تهران قابل تجدیدخواهی است». نکته قابل ذکر در خصوص تصمیم دادگاه این است که با اشاره به ماهیت قضایی تصمیم، مشخص نکرده است که این تصمیم حکم است یا قرار؟ اما در هر صورت آن را قابل تجدیدنظر دانسته است. بر خلاف این رویه در خصوص قابلیت تجدیدنظر از تصمیم دادگاه، در تصمیم نهایی صادره از شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان دماوند،^۳ به خواسته «درخواست اجرای رأی داور» با استناد به ماده ۴۸۸ و بند ۷ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار ردّ درخواست اجرای رأی داور را صادر نموده و آن را قطعی تلقی کرده است. همچنین در پرونده‌ای در در شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران،^۴ در درخواستی با موضوع «اجرای رأی داور» دادگاه با صدور قرار ردّ درخواست، قرار مذکور را قطعی و غیر قابل عدول تلقی نموده است. همچنین در تصمیم نهایی صادره از شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی

۱. تصمیم شماره ۹۸۰۹۹۷۰۲۴۲۶۰۱۸۰۳

۲. پرونده شماره کلاسه ۹۸۰۹۹۸۲۱۶۰۱۰۰۸۷۸

۳. تصمیم نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۲۲۱۰۲۰۰۱۳۴

۴. پرونده شماره کلاسه ۹۸۰۹۹۸۰۲۲۶۳۰۰۱۰۴

شهرستان ملارد^۱ به‌خواستۀ «درخواست اجرای رأی داور» دادگاه با صدور قرار ردّ درخواست خواهان به استناد بند ۱ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، آن را قطعی قلمداد نموده است. از نکات قابل توجه این موضوع استدلال دادگاه تجدیدنظر در تجدیدنظرخواهی از این رأی است که در دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۲۵۵۷۳۴۸ صادره از شعبه ۷۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران است (به برخی نکات آن در مباحث پیشین نیز اشاره شد) که در استدلالی قابل توجه چنین بیان داشته است: «مقنن در ماده ۳۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی به صراحت قرارهایی را که قابل تجدیدنظرخواهی است را احصا نموده و آن را مختص به دعاوی دانسته است و به دلیل آن که درخواست اجرای رأی داور، دعوی نیست، به تبع آن اجابت درخواست یا عدم پذیرش آن مستلزم صدور رأی نیست و چون یک تصمیم است قابلیت تجدیدنظرخواهی ندارد و از شمول مواردی که مقنن آن را قابل تجدیدنظرخواهی دانسته، نمی‌باشد.» این شعبه در دادنامه دیگری^۲ در مقام تجدیدنظرخواهی از تصمیم نهایی شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۴۰۴۰۵۰۵ صادره از شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران به‌خواستۀ «اجرای رأی داور» در ردّ نظر دادگاه بدوی مبنی بر قابلیت تجدیدنظر از تصمیم همین استدلال را مجدداً تکرار نموده است و با اعتقاد به اینکه درخواست اجرای رأی داور دعوی نیست، تصمیم دادگاه بدوی نیز رأی تلقی نمی‌شود که قابلیت تجدیدنظرخواهی را داشته باشد.

علاوه بر شناسایی آرای داخلی داوری از سوی محاکم قضایی، آرای خارجی داوری نیز که نیازمند شناسایی محاکم داخلی هستند، بر طبق رویه قضایی در صورت عدم شناسایی می‌توانند قابل تجدیدنظر باشند، اما در صورتی که این آرا مورد شناسایی محاکم قرار گیرند، قطعی هستند. در این راستا، می‌توان به دادنامه صادره از شعبه سوم دادگاه عمومی تهران،^۳ به‌خواستۀ «اجرای حکم داوری دریایی اتاق تجارت و صنعت فدراسیون روسیه» دادگاه قرار لازم الاجرا بودن رأی داوری را صادر نموده و آن را قطعی تلقی کرده است. چنانچه ملاحظه

۱. تصمیم نهایی شماره ۱۴۰۰۹۱۳۹۰۰۱۵۹۴۸۳۷۴

۲. دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۹۱۸۰۴۴۸ به تاریخ ۱۴۰۱/۶/۳۰

۳. دادنامه شماره ۱۱۰۲ به تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۳

می‌شود این تصمیم دادگاه به دلیل شناسایی رأی خارجی به استناد مواد ۱۶۹، ۱۷۲ و ۱۷۳ قطعی دانسته شده است. افزون بر این، در تصمیم نهایی صادره از شعبه ۵۵ حقوقی روابط بین‌الملل مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران،^۱ به خواسته «درخواست اجرای رأی داور» نیز دادگاه با استناد به مواد ۲ و ۱۷۵ و ۱۷۸ از قانون اجرای احکام مدنی مبادرت به صدور قرار رد درخواست خواهان نموده است و به دلیل عدم شناسایی، این قرار ظرف ده روز از ابلاغ قابل تجدیدنظر در نزد محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران است. علاوه بر این، در تصمیم نهایی صادره از شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران،^۲ دادگاه در گردشکار با اشاره به تشکیل جلسه رسیدگی در وقت فوق‌العاده نیازی به تعیین وقت رسیدگی با حضور طرفین ندانسته و در ادامه با توجه به صدور قرار رد درخواست اجرای رأی داور، این قرار را قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر دانسته که به نظر می‌رسد با وحدت ملاک از ماده ۱۷۴ و ۱۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص اجرای رأی خارجی عمل نموده است.

۲-۸. مواردی از عدم شناسایی در رویه قضایی

در خصوص موانع شناسایی آرای داوری داخلی، ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی ایران هفت مورد را ذکر نموده است که عبارتند از: مخالف رأی صادره با قوانین موجد حق، صدور رأی خارج از موضوع داوری، صدور رأی خارج از حدود اختیارات داور، صدور و تسلیم رأی پس از انقضای مدت داوری، مخالفت رأی داور با اسناد رسمی ثبت شده، صدور رأی به وسیله داورانی که مجاز به صدور رأی نبوده‌اند و بی‌اعتباری قرارداد داوری. غالب تصمیمات دادگاه در زمینه رد درخواست شناسایی و اجرای رأی داوری مستند به موارد احصاشده در بندهای ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی است. به‌عنوان نمونه، در تصمیم نهایی صادره از شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به

۱. تصمیم نهایی شماره ۰۸۶۳/۲۳۷۶۰۰۹۹۷۰۹۹۷۰

۲. تصمیم نهایی شماره ۱۴۱۵/۲۲۷۲۰۹۹۷۰۹۹۷۰

دعاوی تجاری تهران،^۱ خواهان خواسته‌ای با موضوع «درخواست اجرای رأی داور» مطرح نموده است که دادگاه با ذکر دلایلی از جمله اینکه؛ (۱) رأی داوری یک امر توصیفی و اخباریست و فاقد اوصاف رای است. (۲) رأی بدون بررسی ادله و اظهارنظر در خصوص خواسته خواهان بوده، فاقد اوصاف رأی می‌باشد و قاطع دعوی نیز نیست و (۳) رأی نیز صرفاً یک جمله اخباری است و متضمن انشای تصمیمی نیست که تلقی رأی از آن شود. با استناد به مواد ۴۸۲ و ۴۸۹ از قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد درخواست اجرای رأی داور را صادر و اعلام می‌دارد. در این مورد چنانکه ملاحظه می‌شود علاوه بر ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، به ماده ۴۸۲ به دلیل موجه و مدلل نبودن رأی داور استناد شده است که این موضوع نیز می‌تواند از مصادیق عدم شناسایی تلقی گردد. در تصمیم دیگری صادره از شعبه ۸۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید صدر تهران^۲ که به‌خواسته «درخواست اجرای رأی داور» مطرح شده است نیز دادگاه به دلیل صدور رأی داور در خارج از مهلت قانونی و متعاقباً به استناد بند ۴ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی مبادرت به عدم شناسایی رأی داور و صدور قرار رد درخواست نموده است. افزون بر این موارد، موانع عدم شناسایی چنانکه اشاره شد علاوه بر بندهای مقرر در ماده ۴۸۹ در سایر مواد و مقررات نیز وجود دارد. در همین راستا، در دادنامه‌ای که به‌خواسته «درخواست اجرای رأی داور» مطرح شده بود،^۳ دادگاه به استناد ماده ۲۸ قانون اجرای احکام مدنی (که به موجب آن رأی داوری که موضوع آن معین نباشد، قابلیت اجرا ندارد)، مبادرت به صدور قرار رد درخواست اجرای رأی داور و عدم شناسایی آن نموده است. همچنین در تصمیم نهایی صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران،^۴ به‌خواسته «درخواست اجرای رأی داور»، دادگاه با این استدلال که رأی داور ابلاغ نشده است و در نتیجه قبل از ابلاغ امکان اجرای رأی

۱. تصمیم نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۷۸۷۲۵۰۰۱۰۴

۲. تصمیم شماره ۹۹۰۹۹۷۲۱۶۲۱۰۱۷۲۴

۳. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۶۱۰۰۴۲۵ به تاریخ ۱۳۹۶/۵/۱۰

۴. تصمیم نهایی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۰۱۲۰ به تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۵

وجود ندارد، به استناد ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار رد درخواست و عدم شناسایی آن را صادر نموده است.

۲-۹. آثار عدم شناسایی رأی داور

یکی از پرسش‌هایی که بعد از عدم شناسایی رأی داور می‌تواند مطرح شود این است که در صورت عدم شناسایی رأی داور، چه اثری بر آن مترتب است؟ به عبارت دیگر، آیا عدم شناسایی صرفاً موجب ابطال رأی داور می‌شود یا اینکه این موضوع به شرط داور نیز سرایت می‌کند و آن را از اعتبار می‌اندازد؟ به نظر می‌رسد رویه قضایی در این باره اختلاف نظر دارد. به عنوان نمونه، در دادنامه موضوع پرونده‌ای صادره از شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران،^۱ خواهان دادخواستی به خواسته «درخواست اجرای رأی داور» مطرح نموده است و دادگاه با بررسی موضوع چنین بیان داشته است که «در این پرونده رأی داور در تاریخ ۱۴۰۱/۲/۱۰ به محکوم علیه ابلاغ شده و محکوم له (خواهان) دادخواست اجرای رأی داور را در تاریخ ۱۴۰۱/۲/۲۶ تقدیم نموده و دادگاه به استناد ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی^۲ نمی‌تواند درخواست خواهان را بپذیرد. دست کم گذشت مدت ۲۰ روز در جریان رسیدگی به این پرونده نمی‌تواند به گذشته اثر کند و درخواست اجرای رأی داور در مهلت جلوه دهد... بر این اساس در این پرونده که خواهان پیش از پایان مهلت ۲۰ روز درخواست اجرای رأی داور را مطرح کرده، این دادگاه نمی‌تواند اجرائیه صادر کند.» در ادامه دادگاه در دو مورد با اشاره به از میان رفتن داوری عنوان داشته است که «تصمیم دادگاه راجع به غیرقابل اجرا بودن رأی داور باعث می‌شود که داوری به طور کلی زایل شود» و اینکه «وقتی که قلب قضیه، از میان رفتن داوری است، هیچ تفاوتی میان حکم و تصمیم نیست، پس تصمیم دادگاه در این خصوص همانند

۱. پرونده شماره کلاسه ۱۴۰۱۶۸۹۲۰۰۰۱۱۴۸۶۶۷

۲. ماده ۴۸۸: «هرگاه محکوم علیه تا بیست روز بعد از ابلاغ، رأی داور را اجرا ننماید، دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری و یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد مکلف است به درخواست طرف ذی نفع طبق رأی داور برگ اجرائی صادر کند. اجرای رأی برابر مقررات قانونی می‌باشد.»

حکم دادگاه قابل تجدیدنظرخواهی است.» به نظر می‌رسد به زعم دادگاه اثر عدم شناسایی رأی داور در اینجا به معنای زوال شرط داوری است که این امر به معنای ابطال قرارداد داوری است و به موجب آن صلاحیت داور به طور کلی از بین می‌رود و در صلاحیت دادگستری است. اگرچه باید گفت این نظر دارای برخی ایرادهای اساسی نیز هست، چراکه بر طبق ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی مواردی مانند بندهای ۴، ۶ و ۷^۱ می‌تواند دارای اثر ابطال شرط داوری باشد و صرف درخواست اجرای پیش از موعد رأی داور نمی‌تواند دارای اثر ابطال شرط داوری باشد و تنها شناسایی آن را به تعویق خواهد انداخت. از این رو، با ابطال رأی داور (نه شرط داوری) اعتبار امر قضاوت شده از بین می‌رود و بنابراین طرح مجدد دعوا از مجرای نهاد داوری امکان پذیر است. در مثالی دیگر، در تصمیم نهایی صادره از شعبه ۸۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مدرس تهران،^۲ به خواسته «درخواست اجرای رأی داور» با توجه به اینکه در قرارداد داوری شیوه‌ای جهت ابلاغ رأی داوری پیش‌بینی نشده و در چنین مواردی ابلاغ باید از طریق دادگاه صلاحیت دار برای رسیدگی به اصل دعوی توسط داور صورت گیرد، دادگاه به استناد ماده ۴۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی مبادرت به صدور قرار ردّ درخواست خواهان می‌نماید. در این مورد دادگاه اشاره‌ای به اثر ردّ درخواست نکرده است، اما به نظر می‌رسد با توجه به اینکه بر طبق تبصره ماده ۴۸۴ در صورت عدم تعیین مدت داوری، مدت آن سه ماه می‌باشد و امر داوری و ابلاغ از طریق دادگاه نیز در این مدت باید انجام شود، اگر خواهان در مدت معلوم رأی را به دادگاه جهت ابلاغ مجدد ارجاع ندهد اثر ردّ درخواست اجرای رأی داوری، ابطال شرط داوری است و متعاقباً صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به اصل دعوا و در غیر این صورت اثر آن ابطال رأی داور است.

در مورد دیگر، در دادنامه صادره در پرونده‌ای در شعبه ۱۲۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید باهنر تهران،^۳ به خواسته «درخواست اجرای رأی داور»، دادگاه به دلیل

۱. بند ۴: «رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.»

۲. تصمیم نهایی شماره ۱۴۸۹/۹۸۰۹۹۷۲۱۶۸۵۰

۳. پرونده شماره کلاسه ۹۸۰۹۹۸۰۲۴۲۶۰۱۱۵۳

اینکه رأی داوری مخالف قوانین موجد حق، صادر شده و قابلیت اجرایی را ندارد، به استناد بند ۱ ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی قرار ردّ درخواست اجرای رأی داوری صادر کرده است. در اینجاردّ درخواست رأی داور را می توان ابطال رأی داوری دانست و شرط داوری را هنوز پابرجا قلمداد کرد؛ زیرا داور صرفاً قوانین موجد حق و اصول دادرسی را رعایت نکرده و این امر جز بر رأی داور بر سایر ارکان داوری از جمله قرارداد داوری خللی وارد نخواهد کرد.

نتیجه

اگرچه شناسایی و متعاقباً اجرای رأی داوری غالباً امری مرسوم در داوری تجاری بین‌المللی بوده است و این موضوع به‌ندرت در حقوق داخلی مورد توجه قرار گرفته شده است و عمده نوشته‌های مربوط به موضوع «شناسایی» در حیطه داوری تجاری بین‌المللی است، اما بررسی رویه قضایی، به‌ویژه دعاوی حقوقی با موضوع «درخواست اجرای رأی داور» حاکی از آن است که این امر در حقوق داخلی و رویه قضایی مطمح‌نظر بوده است. از این‌رو، به‌نظر می‌رسد تشریفات شناسایی رأی داور برپایه رویه قضایی موجود بر این منوال است: نخست اینکه، شناسایی اجرای رأی داور منوط به «درخواست اجرای رأی داوری» در قالب دادخواست از سوی یکی از طرفین است و بر همین اساس نیازمند رعایت اصول شکلی مندرج در دادخواست بر اساس ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی است.

دوم؛ سایر شرایط شکلی دادخواست از جمله هزینه دادرسی نیز در این نوع دعاوی باید رعایت گردد که بررسی رویه قضایی نیز حاکی از آن است که هزینه دادرسی این نوع دعاوی بر مبنای دعاوی غیرمالی محاسبه گردیده است.

سوم؛ درخواست شناسایی رأی داور نیازمند تعیین وقت رسیدگی و حضور طرفین نیست و این خواسته غالباً در وقت فوق‌العاده مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و به همین جهت الزام به رعایت اصل تناظر در این مورد چندان مورد توجه قضات قرار نگرفته است.

چهارم؛ با وجود برخی اختلافات میان محاکم، ماهیت تصمیم دادگاه در مورد درخواست شناسایی و اجرا در قالب قرار صادر شده است که به زعم نگارنده ماهیت تصمیم دادگاه با حکم تناسب بیشتری دارد.

پنجم؛ در صورت شناسایی رأی داور از سوی محکمه قضایی، این امر قطعی تلقی شده ولی عدم شناسایی، دارای قابلیت تجدیدنظرخواهی است و نهایت موانع عدم شناسایی رأی داور افزون بر موارد یادشده در بندهای ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، می‌تواند مبتنی بر سایر قوانین نیز باشد که از جمله آن می‌توان به ماده ۲۸ قانون اجرای احکام اشاره نمود. نهایتاً این پرسش که آیا آثار عدم شناسایی رأی داور در رویه قضایی علاوه بر اجرا نشدن آن، قابل تسری به سایر ارکان داوری از جمله قرارداد داوری است یا خیر؟ در رویه قضایی همچنان بی‌پاسخ گذاشته شده است.

منابع

فارسی

الف) کتب و مقالات

- اسکندری، یعقوب، «ابطال رأی داوری»، ماهنامه حقوق داوری، شماره ۴، (۱۳۹۸).
- السان، مصطفی و دیگران، «شناسایی و اجرای رأی داوری داخلی؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و استرالیا»، مجله مطالعات حقوقی، شماره ۲، (۱۴۰۰).
- انصاری، روح‌الله و دیگران، «بررسی مداخله دادگاه در داوری در حقوق ایران»، نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۲، (۱۳۹۶).
- باقری، روح‌انگیز، «مقاله اجرای آراء داخلی و خارجی در قانون داوری تجاری بین‌المللی و کنوانسیون نیویورک»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۳۱، (۱۳۹۹).
- جعفریان، منصور، «شناسایی و اجرای آرای داوری»، نشریه مجلس و پژوهش، شماره ۱۷، (۱۳۷۴).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، جلد سوم، چاپ دوم، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵).
- جنیدی، لعیاء، اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی، چاپ چهارم، (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵).
- جنیدی، لعیاء، «کنوانسیون نیویورک و رژیم اجرایی آن»، مجله حقوق تطبیقی، شماره ۱، (۱۳۹۰).
- حسین‌آبادی، امیر، موارد بطلان رأی داوری، مجموعه مقالات همایش صدمین سال تاسیس نهاد داوری در حقوق ایران، چاپ سوم، (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۱).
- خدابخشی، عبدالله، حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی، چاپ سوم، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳).

خدیری، صالح، «دادرسی منصفانه در داوری تجاری بین‌المللی»، شماره ۲، مجله حقوق تطبیقی، (۱۳۹۴).

دشتی، محمدرضا و کریمی، عباس، «مطالعه تطبیقی قرارداد داوری»، مجله حقوق تطبیقی، شماره ۱، (۱۳۹۲).

رسولزاده فرساد، علی و علوم یزدی، حمیدرضا، «چالش‌های اخلاقی اجرای رأی داوردن نظام حقوقی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۳۷، (۱۳۹۸).

سلطانزاده، سجاد، ساختار و رویه داوری مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ایکسید)، چاپ اول، (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳).

شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی؛ دوره پیشرفته، جلد سوم، چاپ بیست و نهم (تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۵).

شمس، عبدالله، «اصل تناظر»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵ و ۳۶، (۱۳۸۱).
کریمی، عباس و پرتو، حمیدرضا، حقوق داوری داخلی، چاپ دوم، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۲).

لطفی، سمیه و سعادت‌خواه، حسین، «اعتراض به آرای داوری‌های خارجی و بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوقی، شماره ۱۳، (۱۳۹۶).

مافی، همایون، شرحی بر قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، چاپ دوم (تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۷).

مصلحی، جلال، «حدود مداخله دادگاه‌های ملی در روند داوری»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۵ و ۱۶، (۱۳۸۴).

مظفری، احسان و قیومزاده، محمود و پاسبان، محمدرضا، «مفهوم و تاثیر قوانین موجد حق در داوری داخلی با نگاهی به رویه قضایی»، فصلنامه دانش حقوق مدنی، شماره ۱۶، (۱۳۹۸).

یاوری، اسدالله و باقری، یوسف، «زمان اخذ مجوز ارجاع به داوری موضوع اصل ۱۳۹ قانون اساسی در پرتو آرای قضایی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۶، (۱۳۹۸).

حیدری، سیروس، «اصل تناظر در حقوق فرانسه و کامن‌لا»، نشریه مطالعات حقوقی، شماره ۱، (۱۳۸۹).

نهرینی، فریدون، «تشخیص ماهیت و نوع رای دادگاه»، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، سال ۴۱، شماره ۲، (۱۳۹۰)

ب) آرای قضایی

تصمیم نهایی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۰۱۲۰ به تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۵ صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی.

دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۸۵۰۰۰۳۴ به تاریخ ۱۳۹۶/۱/۲۲ صادره شعبه ۲۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۶۱۰۰۴۲۵ به تاریخ ۱۳۹۶/۵/۱۰.

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۰۲۲۶۱۰۰۱۸۸ شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

پرونده کلاسه ۱۱۷۰/۸۱ از شعبه سوم دادگاه عمومی تهران.

پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۰۲۲۸۵۰۰۴۸۸ شعبه ۲۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۷۷۰۱۱۲۷ به تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۷ صادره از شعبه ۱۷ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۷۲۰۰۸۹۳ به تاریخ ۱۳۹۳/۹/۲۹ صادره از شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۷۹۰۰۵۶۷ به تاریخ ۱۳۹۴/۸/۱۹ صادره از شعبه ۱۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۸۵۰۰۱۹۴ به تاریخ ۱۳۹۶/۲/۳ صادره از شعبه ۲۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۲۲۸۴۰۰۶۱۶ به تاریخ ۱۳۹۰/۷/۱۲ صادره از شعبه ۲۴ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

دادنامه‌های شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۶۵۰۰۲۸۳ به تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۸ صادره از شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۶۵۰۰۵۸۰ به تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۰ صادره از شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۶۵۰۰۹۳۵ به تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۲ صادره از شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۸۰۲۲۶۱۰۰۱۱۸ به تاریخ ۱۳۹۶/۵/۱۰ صادره از شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی.

تصمیم نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۷۸۷۲۵۰۰۱۰۴ صادره از شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران.

تصمیم نهایی شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۶۸۵۰۱۴۸۹ شعبه ۸۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مدرس تهران.

تصمیم نهایی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۲۴۲۶۰۱۸۰۳ صادره از شعبه ۱۲۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید باهنر تهران.

تصمیم نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۲۹۸۸۷۰۰۴۷۲ صادره از شعبه ۷ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان بهارستان.

پرونده کلاسه ۹۸۰۹۹۸۲۱۶۰۱۰۰۸۷۸ شعبه ۳۶ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید صدر تهران.

پرونده کلاسه ۱۴۰۱۶۸۲۰۰۰۱۱۴۸۶۶۷ در شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران خواهان.

دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۹۱۸۰۴۴۸ به تاریخ ۱۴۰۱/۶/۳۰ صادره از شعبه ۷۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

در دادنامه شماره ۱۴۹۰۱۶۸۳۹۰۰۰۲۵۵۷۳۴۸ به تاریخ ۱۴۰۱/۲/۳۱ صادره از شعبه ۷۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

تصمیم نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۲۲۱۰۲۰۰۱۳۴ صادره از شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان دماوند.

پرونده کلاسه ۹۸۰۹۹۸۰۲۲۶۳۰۰۱۰۴ در شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

تصمیم نهایی شماره ۱۴۰۰۹۱۳۹۰۰۱۵۹۴۸۳۷۴ صادره از شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ملارد.

دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۲۵۵۷۳۴۸ صادره از شعبه ۷۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران دادنامه شماره ۱۱۰۲ به تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۳ صادره از شعبه سوم دادگاه عمومی تهران.

تصمیم نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۳۷۶۰۰۸۶۳ صادره از شعبه ۵۵ حقوقی روابط بین الملل مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

در تصمیم نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۷۲۰۱۴۱۵ صادره از شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

در تصمیم دیگری به شماره ۹۹۰۹۹۷۲۱۶۲۱۰۱۷۲۴ صادره از شعبه ۸۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید صدر تهران.

پرونده کلاسه شماره ۱۴۰۱۶۸۹۲۰۰۰۱۱۴۸۶۶۷ شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران.

پرونده کلاسه ۹۸۰۹۹۸۰۲۴۲۶۰۱۱۵۳ شعبه ۱۲۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید باهنر تهران.

References

- A.Asouzu, Amazu, *International Commercial Arbitration and African States*, Cambridge University press, NewYork, 2004.
- L.Moses, Margaret, *The Principle and Practice of International Commercial Arbitration*, Cambridge University press, 2008.

- Onyema, Emilia, *International Commercial Arbitration and the Arbitrator's contract*, Routledge Publication, London and New York, 2010.
- Rubino Sammaatano, Mauro, *International Arbitration: Law and Practice*, 2nd edition, Published by Kluwer Law International, 2001.
- W.Rovine, Arthur, *Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation*, Martinus Nijhoff Publishers, 2008.

Translated References into Persian

- Ansari, Ruhollah and others, "Study of Court Intervention in Arbitration in Iranian Law", *Journal of Political Science, Law and Jurisprudence Studies*, No. 2, (2016). [In Persian]
- Bagheri, Roohangiz, "The article on the implementation of internal and external decisions in international commercial arbitration law and the New York Convention", *New Research Quarterly in Human Sciences*, No. 31, (2019). [In Persian]
- Dashti, Mohammad Reza and Karimi, Abbas, "Comparative Study of Arbitration Contract", *Comparative Law Journal*, No. 1, (2012). [In Persian]
- Elsan, Mustafa and others, "Recognition and enforcement of domestic arbitration award; A comparative study of Iranian and Australian laws", *Journal of Legal Studies*, No. 2, (2021). [In Persian]
- Eskandari, Yaqoub, "Abolition of the arbitration award", *Arbitration Law Monthly*, No. 4, (2018). [In Persian]
- Heydari, Siros, "Principle of Correspondence in French and Common Law", *Journal of Legal Studies*, No. 1, (2010). [In Persian]
- Hosseinabadi, Amir, *Cases of annulment of the arbitrator's opinion*, collection of articles of the conference of the 100th anniversary of the establishment of the institution of arbitration in Iranian law, third edition, (Tehran: Shahr Danesh Publications, 2011). [In Persian]
- Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar, *Legal Encyclopedia*, third volume, second edition, (Tehran: Ganj Danesh Publications, 2015).[In Persian]
- Jafarian, Mansour, "Identification and Implementation of Arbitration Decisions", *Majles and Research Journal*, No. 17, (1995). [In Persian]

- Junidi, Laiya, *Implementation of foreign commercial arbitration awards*, 4th edition, (Tehran: Shahr Danesh Publishing House, 2015). [In Persian]
- Junaidy, Laiya, "The New York Convention and its Executive Regime", *Comparative Law Journal*, No. 1, (2016). [In Persian]
- Karimi, Abbas and Parto, Hamidreza, *Domestic Arbitration Laws*, second edition, (Tehran: Justice Publishing House, 2012). [In Persian]
- Khodabakhshi, Abdullah, *Arbitration rights and claims related to it in judicial procedure*, 3rd edition, (Tehran: Shareholding Publishing Company, 2013). [In Persian]
- Khodri, Saleh, "Fair proceedings in international commercial arbitration", No. 2, *Journal of Comparative Law*, (2014). [In Persian]
- Lotfi, Samia and Saadatkhah, Hossein, "Objection to foreign and international arbitration decisions", *Legal Studies Quarterly*, No. 13, (2016). [In Persian]
- Mafi, Homayoun, *Commentary on Iran's International Commercial Arbitration Law*, second edition (Tehran: University of Judicial Sciences and Administrative Services Press, 2017). [In Persian]
- Moslehi, Jalal, "Limits of intervention of national courts in the arbitration process", *Public Law Research Quarterly*, No. 15 and 16, (2004). [In Persian]
- Mozafari, Ehsan and Qayyumzadeh, Mahmoud and Pasban, Mohammad Reza, "The concept and effect of law creating rights in domestic arbitration with a view to judicial procedure", *Danesh Civil Law Quarterly*, No. 16, (2018). [In Persian]
- Nahrini, Fereydoun, "Determining the nature and type of court verdict", *Journal of Private Law Studies*, year 41, number 2, (2011). [In Persian]
- Rasulzadeh Farsad, Ali and Olomi Yazdi, Hamidreza, "Ethical challenges of implementing the arbitrator's decision in Iran's legal system", *Ethical Research Quarterly*, No. 37, (2018). [In Persian]
- Shams, Abdullah, "Principle of Correspondence", *Journal of Legal Research*, No. 35 and 36, (2009). [In Persian]
- Shams, Abdullah, *Civil procedure; Advanced course*, third volume, twenty-ninth edition (Tehran: Drak Publications, 2015). [In Persian]

Sultanzadeh, Sajjad, *The structure and arbitration procedure of the International Center for Settlement of Investment Disputes (ICSID)*, first edition, (Tehran: Khorsandi Publications, 2014). [In Persian]

Yavari, Asadullah and Bagheri, Youssef, "Time to obtain permission to refer to arbitration the issue of Article 139 of the Constitution in the light of judicial opinions", *Legal Journal of Justice*, No. 106, (2018). [In Persian]

استناد به این مقاله: علوم می یزدی، حمیدرضا؛ دانش آرا، علی رضا. (۱۴۰۲). شناسایی آرای داوری داخلی در رویه قضایی، پژوهش حقوق خصوصی، ۱۲(۴۲)، ۴۷-۹. doi: 10.22054/jplr.2023.71583.2720



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License